



۲۰۲۰/۱۱/۲۵

استاد حامد نوید

## افغان به معنی پشتون نیست

یادداشت ناشر:

این نوشته تاریخی، نهایت زیبا، پرمفهوم و ملی را از صفحه فیس بوک استاد دانشمند و عالم کم همتای افغانستان جناب دکتر حامد نوید اخذ نمودم تا به شما خوانندگان عزیز وبسایت آریانا افغانستان آنلاین انتقال بدهم و افکار مردم عزیز ما را پیرامون اسم مبارک «افغان» بیشتر روشن سازم. ولی احمد نوری

\*\*\* \*\*

شواهد آتی مدارک و اسنادیست تاریخی، در رابطه با ریشه های اصلی اصطلاح افغان که در مقدمه کتاب تاریخ هنر در افغانستان، اثر حامد نوید آمده است، این شواهد گواه بر این است که کلمه افغان به معنی پشتون نیست.

هرگاه از نگاه علم Etymology یا ریشه شناسی، ریشه های تاریخی اسم افغان را بررسی نمایم در می یابیم که : اسم «افغان» به معنی پشتون نیست، بلکه این اسم ریشه یافته از کلمه Asvakan در سانسکریت Ashvakas در زبان هند و آریایی پراکریت، اسپکان در پهلوی اشکانی، اشکانوی (Assakenoi= horseman) در متون قدیمی گریکو رومن، ابکان و اپگان در پهلوی ساسانی که حرف (س) آن به مرور زمان افتاده، آمده است. از آنجایی که حروف (پ) و (گ) در الفبای زبان عربی وجود ندارد معرب کلمه «اپگان» در ادوار اسلامی «افغان» نگاشته و تلفظ شد. کلمه «افغان» به حواله مؤرخین و زبان شناسان معروفی چون جان مک کوندل J.W. McCrindle ، ایریکلیوس (E. Reclus) فرانسوی، کریستن لیسن نارویجی Christian Lassen الکزاندر کوگنهام Alexander Cunningham برتانوی؛ لقبی بود که از دیر زمانه ها به سوارکاران و سلحشوران باختری و کامبوچه ها یا ساکنین قدیم اطراف کابل که آئین اوستایی داشتند تعلق می گرفت.

سلسله شاهان اسپه یا اسپه گان باختر در جلگه های شمال هندوکش جایی که پرورشگاه اسپان اصیل و تازنده بود نخستین مقر فرمانروایی شان را اساس گزارده و دامنه اقتدار شان را در نیمه هزاره دوم پیش از میلاد تا کابل و سرزمین های دیگر جنوب هندوکش گسترش دادند.

در فرهنگ اوستایی کیشاهان سوارکاری و داشتن اسپان ممتاز علامه سلحشوری و دلیری بود و شاهان قدیم بلخ کلمه اسپ را پساوند نام خویش می ساختند مانند گشتاسپ، زراسپ، لهرسپ، ارجاسپ و امثال آن که بیوراسپ لقب ضحاک بود و پورشاسپ لقب پدر زردشت.

به اساس تحقیق در متون اوستایی کلمه آبگان یا آوگان به معنی کوبنده مترادف به جنگجو آمده است که این کلمه در کتیبه های شاهپور اول و دوم ساسانی در نقش رستم به صورت اپگان و ابگان ذکر است. چنانچه فردوسی در شهنامه چنین گفته:

## سپهدار چون قارن کاو گان

### سپه کش چو شیروی و چون آوگان

#### آریان تا:

ریخ نگار به حواله یادداشت های همراهان اسکندر از جنگ های وی با اشکانوی ها یعنی سوارکاران افغان در اطراف کابل گزارش می دهد. به همین ترتیب ابن بطوطه واقعه نگار و سیاح معروف مراکشی عربی زبان، در یادداشت های سفری که در سال ۱۳۲۸ میلادی به کشورهای شرقی اسلامی نموده می نگارد: در کابل به مردمانی برخورد است که به زبان فارسی تکلم نموده و خود را افغان می نامیدند.

مقوله های دیگری نیز در مورد وجه تسمیه کلمه افغان وجود دارد که مانند نظریات نعمت الله هروی نویسنده مخزن الافغان دربار مغلی هند به خاطر جنبه افسانوی بودن آن ثبوت نیافته است. ازین رو اکثر محققین و زبان شناسان به این امر متفق الاقول اند که اصطلاح افغان لقب و مرتبتی بوده که به سوارکاران اتلاق می یافت، نه به قوم و یا قبیله خاصی.

گرچه عده ای با گرایش های سیاسی ای که دارند، کلمات افغان و پشتون را مترادف هم می دانند و از این رو در مقابل آن ابراز مخالفت می نمایند، اما در میان ۲۵ یا ۲۶ قبیله پشتون چون افریدی، مهمند، احمدزی، یوسف زی پوپل زی، امرخیل و قبایل دیگر، قومی به نام افغان زی و یا افغان خیل وجود ندارد.

البته هرکسی حق دارد که هویتی را برای خود اختیار کند و یا با نظری موافق نباشد، اما از نگاه پذیرش معیارهای علمی و بالاتر از آن، با توجه به ارزش های والای تعالیم اسلامی اهانت به هیچ قومی مجاز نیست، بخصوص به ملتی که به قول هموطن فرهیخته محترم بخت بیک میرزاده به التیام زخم های زاده از جنگ نیازمندی میرمی داشته باشد.



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک نمایید.](#)